

# SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری STES



فیلم های آموزشی

## کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



مقاله نویسی علوم انسانی



اصول تنظیم قراردادها



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقاله

## بررسی جریان سنت‌گرایی در ادبیات منظوم فارسی، عربی و غربی

دکتر شکرالله پورالخاص<sup>۱</sup>

پیام نوزادحور<sup>۲</sup>

### چکیده

مقاله‌ی حاضر تلاشی برای بررسی تطبیقی جریان سنت‌گرایی در ادبیات فارسی، عربی و غربی است. این جریان در ادبیات فارسی «مکتب بازگشت»، در ادبیات عربی «حرکت الإحیا» و در ادبیات غرب «کلاسیسم» نامیده می‌شود. فراوانی تشابهات ویژگی‌های این سنت در ملل مختلف، علاوه بر تأثیرپذیری شاعران از یک‌دیگر، به جهت اوضاع سیاسی، فرهنگی و ... است. شاعران این مکتب اندیشه‌ی جدیدی بر آثار ادبی اضافه نکردند بلکه همچون پیشینیان خویش می‌اندیشیدند و از زبان ادبی آنان بهره می‌جستند. به بیانی دیگر می‌توان گفت شاعران این سبک، به جای آفرینش ادبی و نوآوری، اغلب به دنبال تقلید از پیشینیان و پیوند دنیای خود با دنیای گذشته بودند. دانشگاه زنجان

در این مقاله با اشاره‌ای کوتاه به عوامل پیدایش این سبک با توجه به شرایط و اوضاع جوامع، به بررسی اصول و شاخصه‌های این جریان، در ادبیات فارسی، عربی و غربی پرداخته شده است.

**کلید واژه‌ها:** سنت‌گرایی، مکتب بازگشت، کلاسیسم، حرکت الاحیا و تحلیل تطبیقی.

### مقدمه

یکی از ویژگی‌های فرهنگی ملل مختلف، وجود تشابهات و اشتراکات ادبی میان ملت‌ها است. این ویژگی در برخی موارد، بر اثر تأثیرپذیری اقوام از یک‌دیگر و در برخی موارد به جهت اوضاع اجتماعی، فرهنگی و سیاسی شبیه به هم، است. بازگشت به گذشته و پیروی از شاعران دوره‌های قبل، نمونه‌ای از این اشتراکات فرهنگی است که می‌توان آن را در ادبیات فارسی، عربی و غربی یافت.

آن‌چه امروزه با عنوان مکتب بازگشت ادبی در ادبیات فارسی می‌خوانیم، قابل انطباق با ادبیات کلاسیک در اروپا و حرکت الاحیا در ادبیات عرب است؛ به این معنی که شاعران این دو مکتب نیز به شاعران بزرگ پیش از خود توجه داشتند و در سرودن اشعار از آنان تقلید می‌کردند. این سه مکتب با وجود وجوه تشابه، دارای تفاوت‌هایی نیز هستند که پس از بررسی این مکتبها به آن‌ها اشاره خواهد شد.

### بازگشت ادبی

پادشاهان صفوی به شاعران مدّاح توجهی نمی‌کردند و به تبع آن، قصیده جایگاه خود را از دست داد و غزل جای آن را گرفت. شعر نیز از دربار به کوچه و بازار راه یافت و نتیجه‌ی آن، به وجود آمدن سبک هندی بود. شاعران سبک هندی شعر را به سوی تعقید، تخیل دور و دراز و اغراق و زبان کوچه و بازار سوق دادند؛ لذا شاعران دوره‌ی بعد در پی چاره‌اندیشی برای نجات شعر انحطاط یافته‌ی این دوره، دریافتند که باید از شاعران بزرگ دوره‌ی قبل (خراسانی و عراقی) پیروی نمود و این شاعران برای شعر سبک هندی ارزش و اعتباری قائل نبودند به اعتقاد شاعران این دوره «بایستی به سبک هندی که به زعم ایشان موجب سستی ارکان شعر و ادب فارسی بوده‌است، پشت کرد و با بازگشتن به شیوه‌ی پسندیده‌ی قدما و استادان سبک عراقی، روح تازه‌ای به کالبد شعر فارسی دمید» (خاتمی، ۱۳۷۱: ۵۲). بر این اساس، شاعران دوره‌ی بازگشت بر این تلاش بودند

<sup>۱</sup> - استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه محقق اردبیلی. pouralkhas@uma.ac.ir

<sup>۲</sup> - دانشجوی دوره دکتري زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی payamnozadhour@yahoo.com

فضای خود را فضای قرن چهارم یا پنجم، هفتم یا هشتم گردانند و البته نتیجه‌ی آن، بی‌توجهی به مسائل اجتماعی و بی‌خبری از اوضاع سیاسی است تا آن‌جا که پادشاهان شکست خورده و ضعیف‌النفس قاجاری را نیز مانند پادشاهان فاتح غزنوی و سلجوقی ستایش می‌کردند» (همان: ۵۴).

عوامل پیدایش مکتب بازگشت عبارتند از:

- تراج کتابخانه‌ی اصفهان بر اثر حمله‌ی افغان‌ها که باعث شد برخی کتب به دست مردم افتد و ارتباط با ادبیات گذشته برقرار شود

- دربار قاجاریه که خود را هم‌شأن با سلاطینی همچون محمود غزنوی می‌شمردند و لذا انتظار داشتند که شاعران آن‌ها را مدح گویند.

- تضعیف جامعه که بیشتر به جهت شکست از روسیه بود و نتایج این شکست را می‌توان در اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دید که این اوضاع نا به سامان اقتضای چنین ادبیاتی را می‌کرد (شمیسا، ۱۳۷۹: ۳۰۶-۳۰۷).

### زبان شعری دوره‌ی بازگشت

شاعران دوره‌ی بازگشت سعی در تقلید زبان شاعران سبک خراسانی و عراقی داشتند «زبان شاعران نخستین نهضت بازگشت (از قبیل مشتاق و آذر و صباحی) خام و ابتدائی است و این را می‌رساند که ادبای این دوره از متون قدیم و فصیح و بلیغ زبان فارسی بیگانه بودند، یا با آن‌ها انس کافی نیافته بودند. علاوه بر این شاعران نخستین دوره‌ی بازگشت نسبت به زبان سهل‌انگاری غیر قابل‌ی دارند» (همان: ۳۱۰) ولی شاعران، رفته رفته بر اثر ممارست با زبان ادبی گذشتگان بیشتر آشنا شدند به جهت این‌که خواهان این بودند که شعر آن‌ها صلابت و استواری شاعران دوره‌های پیشین را داشته باشند و به همین جهت است که در شعر سروش ویژگی‌های زبانی شعر فرخی انعکاس یافته است و طنین و طمطراق کلمات شعر خاقانی در اشعار قآنی نمود پیدا کرده است؛ بر خلاف شاعران فوق که سعی در پیروی از شاعران دوره‌ی خراسانی و آذربایجانی را داشتند، شاعری همچون نشاط به ویژه در غزل، در صدد آن نیست که همچون شاعران سبک هندی شعر بسراید بلکه آن ویژگی‌ها را به ندرت در شعر او می‌توان دید و بیشتر به شاعران سبک عراقی به خصوص به خواجه‌ی شیراز متمایل بود. علاوه بر این، در شعر شاعران این دوره به واژه‌های عامیانه برمی‌خوریم که می‌تواند نشانه‌هایی از تأثیر سبک هندی بر این نهضت باشد. «گاهی اوقات با عبارتی بسیار زیبا و جذاب در شعر مواجه می‌شویم که در کنار همان ترکیبات و عبارات عالی، از واژگانی سست و عامیانه و به دور از فصاحت که ارزش زیبایی و روانی شعر را می‌کاهد، استفاده شده است» (شاملو، ۱۳۸۸: ۹۶۹). وجود کلمات عربی در شعر این دوره و به خصوص در قافیه قصیده‌ها از دیگر خصایص زبانی نهضت بازگشت ادبی است که بیشتر در شعر شاعران نخستین این دوره است و اغلب در شعر شاعرانی می‌توان یافت که از شعر منوچهری پیروی کرده‌اند؛ همچنین هاتف اصفهانی که یکی از بزرگترین شاعران دوره‌ی بازگشت بود سه قصیده عربی دارد که به پیروی از شاعران دوره‌ی جاهلی و اسلامی و دوره‌ی انحطاط سروده است (حریرچی، ۱۳۷۹: ۹).

### فکر و اندیشه‌ی شاعران دوره‌ی بازگشت

شاعران دوره بازگشت «اصولاً از خود جهانی ندارد و شعر را نه از طریق عرق‌ریزی روزمره‌ی روح، بلکه از دیوان شاعران پیشین آموخته است، می‌بیند که حافظ اندام یار را به سرو تشبیه کرده است، او نیز بی‌آنکه نیازی به دیدن سرو در خود حس کند می‌نویسد:

جان فدای روش سرو قبا پوشش باد» (لنگرودی، ۱۳۷۲: ۵۰)

شاعران این دوره به «پیروی از طرز و اندیشه‌ی که ابداً مربوط به اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی آن نبوده است، اصرار می‌ورزیده‌اند» (خاتمی، ۱۳۷۴: ۲۰۱). به بیانی دیگر در این عهد «سعی در بیان همان افکار در عهد غزنوی و سلجوقی در قصیده و افکار دوران حافظ و سعدی در غزل بود و می‌کوشیدند حتی‌المقدور از مسائل روز (همان‌طور که از زبان مرسوم در دوره‌ی خود استفاده نکنند تا هر چه بیشتر شعر به اسلوب قدما بیشتر شبیه باشد» (شمیسا، ۱۳۷۹: ۳۱۷) و حتی به آداب و معتقدات شاعران پیشین اشاره می‌کنند برای همین است که برخی‌ها برای نهضت ادبی سبک مستقلی قائل نیستند و معتقدند که نهضت ادبی کمکی به پیشرفت ادبی نکرد بلکه اندیشه‌ی دوره‌های پیشین را احیا کرده است.

### نهضت بازگشت از لحاظ ادبی

شاعران مکتب بازگشت «اصل اصولشان تقلید از روش شاعران برجسته‌ی سبک‌های قدیم (خراسانی، عراقی، آذربایجانی و ...) بود. ایشان در غزل به سعدی، در قصیده به انوری، در رزم به فردوسی، در بزم به نظامی، در قطعه به ابن‌یمین و در رباعی به عمر خیام اقتدا می‌کردند» (لنگرودی، ۱۳۷۲: ۴۸). اینان بر این باور بودند که «شیوه شاعران سبک هندی، مانند کلیم کاشانی و صائب تبریزی خلاف فصاحت و به دور از بلاغت است، لذا بر همه‌ی شعرا فرض است که برای حفظ ارزش‌های ادبی به شیوه‌ی قدما - که توأم با فصاحت و بلاغت بوده است - بازگشت نمایند» (خاتمی، ۱۳۷۱: ۵۰) و بر همین اساس بود که بر مکتب این دوره «بازگشت» گفته‌اند. چنان‌چه گفتیم شاعران این دوره بیشتر به تقلید از شعرای بزرگ می‌اندیشدند و به همین دلیل «شعرای این دوره کمتر توفیق مضمون‌سازی و نوآوری را به دست آورده‌اند اما در جای خود خدمت بزرگی به حفظ زبان و ادبیات کهن ایران و زنده نگاه داشتن خاطره‌ی سرایندگان قدیم انجام داده‌اند و توانسته‌اند زبان فارسی را از سستی و کاستی برهانند.» (خاتمی، ۱۳۷۴: ۲۰۲).

با این وجود، برخی از ایرادهایی که بر شاعران این مکتب گرفته‌اند قابل قبول است؛ این شاعران به شعر و جامعه از دریچه‌ی نظر شاعران گذشته نگاه می‌کنند و آداب و رسوم، باور و معتقدات آن‌ها را در اشعار خود انعکاس می‌دادند و از پرداختن به اوضاع عصر خویش تا حد امکان پرهیز می‌کردند و به نوعی از درد جامعه بحرانی آن زمان غافل شده بودند.

### حرکت‌الاحیا

برخلاف بازگشت ادبی در ایران، حرکت‌الاحیا در ادبیات عربی به جهت سرخوردگی شاعران از سبک پیشین و وجود دربارهای حامی و شاهان ممدوح به وجود نیامد بلکه به جهت بیداری فرهنگی و سیاسی بود که بر اثر ارتباط با دنیای غرب و آگاهی از پیشرفت آن‌ها و عقب ماندگی خویش به وجود آمد. از مهم‌ترین حوادث سیاسی تأثیرگذار بر این نهضت، علاوه بر تصرف مصر توسط ناپلئون (سال ۱۷۸۹ میلادی) می‌توان به حمله‌ی انگلستان به این کشور اشاره کرد که باعث گسترش حس میهن‌پرستی گردید (عبدالجلیل، ۱۳۷۶: ۲۶۵). از دیگر عوامل مؤثر در شکل‌گیری این نهضت، می‌توان اشاره کرد به:

- توجه به امر آموزش و پرورش
- اعزام دانشجو به اروپا
- ترجمه آثار غربی به زبان عربی
- موقعیت جغرافیایی حساس مصر (بهبروز، ۱۳۷۷: ۲۷۵). این ویژگی اخیر را می‌توان در شکل‌گیری بازگشت ادبی ایران نیز مؤثر دانست.

این نهضت در ابتدا در مصر پدید آمد «آگاهی مصریان از نمونه‌های شعر قدیم باعث شد که ایشان از شعر رنجور و بیمارگون زمان خویش روی‌گردان شوند» (شکیب، ۱۶) در واقع به بیانی دیگر می‌توان گفت: «این شاعران، شعر عربی را از وضعیت پریشانی که از اواخر دوره‌ی عباسی تا عصر نهضت گرفتار آشکار بود نجات دادند و این کار، بیش‌تر با بازگشت به شعر عربی در شکوفاترین دوره‌های حیات آن و پیش از آن که آرایه‌های لفظی بر آن غالب شود، صورت پذیرفت» (همان، ۱۶). پیش از این نهضت، آن‌چه در نزد شعرای عرب، مهم و هدف بود ماهیت شعر بود ولی بعد از نهضت، در نزد شاعران، شعر وسیله‌ای برای ابراز احساسات میهن‌دوستی، انتقاد، آگاهی بخشی به مردم و ... قرار گرفت و دیگر به ظواهر شعری و تکلف‌های بی‌اساس توجهی نشد. پیشرو واقعی این نهضت محمود سامی البارودی بود و احمد شوقی، حافظ ابراهیم و خلیل مطران نیز به پیروی از او پرداختند. این سه شاعر-شوقی، مطران و حافظ ابراهیم- راهی را که بارودی باز کرده بود به خوبی هموار و طی کردند به این معنا که اشعار عصر عباسی را به دقت خواندند و به نحو اکمل از سرچشمه‌های اصیل شعر عربی بهره‌ها بردند تا آن‌جا که اسلوبشان محکم شد؛ راه شعر خوب و مردمی بر ایشان هموار شد؛ از این‌جاست که نسل آینده این سه تن را «محافظین» خوانده‌اند. بدین معنی که این‌ها، در اشعار خودشان بر مواد ادبی قدیم عربی تأکید کرده‌اند و فخامت شعر قدیم را در شعر خود حفظ نموده‌اند (بهبروز، ۱۳۷۷: ۳۴۶). این شاعران علاوه بر ادبیات عرب، به ادبیات دیگر ملت‌ها نیز توجه داشتند به طوری که آثاری همچون «یلیاد» را به زبان خود ترجمه کردند.

### ویژگی‌های شعر عرب در این دوره

- بیرون آمدن شعر از طبقه خواص و رایج شدن آن در میان عموم مردم (بهبروز، ۱۳۷۷: ۳۴۷). این ویژگی در شعر نهضت ادبی و شعر سبک هندی نیز دیده می‌شود.

- چاپ اشعار در نسخ و جلد‌های بیشتر، بر خلاف دوره‌های قبل که شعر فقط اغلب در نسخ کمتری نوشته می‌شد.  
- فرم و قوالب شعری حفظ شد.

- شاعران این دوره خواسته‌های مردم در شعر خویش انعکاس دادند بر خلاف شاعران عباسی که فقط به خود و معشوق و یا به ممدوح می‌اندیشیدند. (این ویژگی بر خلاف شعر دوره بازگشت ادبی در ایران است به جهت این که شاعران بازگشت از وارد کردن مفاهیم و مضامین دوره‌ی خویش در شعر دوری می‌کردند و تمام تلاششان این بود که شعر را به شعر سبک خراسانی و عراقی نزدیک کنند هم‌چنان که شاعر بزرگی همچون سروش در قصیده‌ای که به جهت تأسیس تلگرافخانه سروده است هرگز نامی از تلگراف به میان نیاورده است. (شمیسا، ۱۳۷۹: ۳۱۷))

### کلاسیک

مکتب کلاسیک در ادبیات، به مفهوم سنت‌گرایی است. در غرب نویسندگان و شاعران، به ادبیات یونان و روم باستان توجه داشتند. از دیدگاه کلاسیک‌ها، هنر اصلی شاعر و نویسنده این است که اصول و قواعدی را که پیشینیان در آثار خود آورده‌اند، بتواند به خوبی رعایت کند. این مکتب در قرن شانزدهم، در فرانسه شکوفایی فوق‌العاده‌ای در ادبیات به وجود آورد (حسینی، ۱۳۷۶: ۸۲). از شاعران بزرگ این مکتب می‌توان به لافونتن، مولیر، پاسکال، راسین، کورنی، بوالو، میلتن و درایدن اشاره کرد.

در باره‌ی تأثیر اوضاع اجتماعی و سیاسی بر شکل‌گیری این مکتب می‌توان گفت که پادشاه در حکومت سلطنتی این دوره فرمانروای مطلق است که همگان از او اطاعت می‌کنند و مردم به شعار «یک قانون، یک دین، یک شاه» احترام می‌گذارند. «در این محافل همه چیز از روی آداب و رسوم ترتیب داده شده است. همه کس باید قواعدی را که با کمال دقت تثبیت شده است، بداند. ندانستن این قواعد یا اقدام برای عوض کردن آن‌ها عملی نیست و مضحک شمرده می‌شود» (همان: ۹۴). بر اساس این، شاعران و نویسندگان نیز موظف بودند قوانین را رعایت کند به این جهت که از دیدگاه آنان «برای آنان قواعدی وجود دارد. ممکن است در باره‌ی این قواعد بحث و مشاجره کرد ولی نباید به فکر دور انداختن آن‌ها افتاد باید دانست که اثری هنری وقتی به درجه‌ی کمال می‌رسد که از این قواعد پیروی کند» (همان: ۹۴).

با توجه به این عقیده، شاعران کلاسیک به پیروی و تقلید از شاعران و بزرگان قرون گذشته و به ویژه شعرای یونان و روم باستان پرداختند و شاعر و نویسنده‌ی هنرمند نامیده می‌شد که بتواند از پیشینیان خود به نحو احسن تقلید کند و اصول و قواعد آن‌ها را در آثار خود رعایت کند. «این تقلید عیناً مثل مکتب بازگشت به زبان استواری و رونق می‌بخشد اما البته فکر تازه‌ای به ادبیات اضافه نمی‌شود» (شمیسا، ۱۳۷۷: ۳۲۰). اصول و قواعدی که شاعران کلاسیک به آن توجه داشتند عبارتند از:  
- تقلید از طبیعت: این ویژگی را در اشعار شاعران بازگشت می‌بینیم به خصوص در اشعاری که به شیوه منوچهری و فرخی گفته شده است.

- تقلید از قدما: شاعران این هم از لحاظ زبان و اندیشه و هم از لحاظ ادبی بودن آثارشان به پیشینیان توجه داشتند و این ویژگی بارز و اصلی سبک کلاسیک است.

- عقل‌گرایی

- آموزنده و خوشایند

حقیقت‌نمایی (حسینی، ۱۳۷۶: ۹۸-۱۰۴).

از ویژگی‌های ادبی کلاسیک می‌توان به ایجاز و بلاغت، سادگی و فخامت آثار اشاره کرد.

### تفاوت و شباهت‌های کلاسیک با دو جریان دیگر

یکی از تفاوت‌های کلاسیک با حرکت‌های احیا و به ویژه با نهضت بازگشت ادبی در ایران، این است که مکتب در غرب، تنها در ادبیات به وجود نیامد بلکه در نقاشی، پیکر تراشی، تئاتر، نمایشنامه‌نویسی، معماری و موسیقی نیز می‌توان این جریان را مشاهده کرد. در واقع می‌توان گفت این مکتب در هنر و ادبیات به وجود آمد. یکی دیگر از تفاوت‌های کلاسیک با دو جریان دیگر، عوامل اجتماعی و سیاسی تأثیرگذار در پیدایش این جریان‌هاست که پیش از این به آن اشاره کردیم.



مهم‌ترین وجه تشابه این سه مکتب، تقلید و پیروی از شیوهی قدماست و همین ویژگی مشخصه‌ی اصلی این مکاتیب است.

### تفاوت و شباهت‌های حرکت‌الاحیا با بازگشت ادبی

در ادبیات عرب، آگاهی و توجه به شیوهی گذشتگان باعث بهتر شدن و پیشرفت شعر گشت ولی در شعر فارسی، این تقلید نه تنها باعث پیشرفت و نوآوری نگشت بلکه باعث انحطاط ادبی گردید. تفاوت دیگر در این است که شعرای عرب با پیروی از شیوهی گذشتگان، به اوضاع جامعه پرداختند ولی شاعران بازگشت ادبی چنان در ادبیات گذشته غرق شده بودند که نسبت به جامعه‌ی عصر خویش بی‌تفاوت بودند اوضاع جامعه را در شعر خویش انعکاس ندادند. از تشابهات این دو جریان، می‌توان به عدم خیال‌پردازی دور و دراز- که نمونه‌ی آن در شعر سبک هندی دیده می‌شود- در آثار شعرای این دوره، اشاره کرد. همچنین از دیگر وجوه تشابه، استفاده نکردن از صنعت و آرایه‌های ادبی به صورت افراط- آمیز است.

### نتیجه‌گیری

بدون شک، با توجه به مطالبی که در این پژوهش نوشته شده است می‌توان نتیجه گرفت که ادبیات ملل مختلف، در برخی موارد، جنبش و نهضت‌های همسانی را تجربه کردند؛ یکی از این تشابهات ادبی، جریان سنت‌گرایی و بازگشت به گذشته‌ی ادبی است. این جریان ابتدا در آثار غربی و سپس در ادبیات عربی و فارسی شکل گرفت. شرایط سیاسی و اجتماعی غرب به هنگام ظهور این مکتب مساعد بود و به جهت احترام به آداب و رسوم گذشتگان بود که این مکتب شکل گرفت ولی اوضاع نامساعد ایران و اعراب باعث بازگشت به گذشته‌ی درخشان گردید به همین جهت عوامل این جریان در میان ایرانیان و اعراب شبیه به هم است. مهم‌ترین ویژگی در هر سه جریان بازگشت به گذشته است که نتایج این بازگشت در ادبیات این ملت‌ها مختلف بود به این جهت که شعرای غرب و عرب با تتبع و پیروی از شاعران گذشته به بلوغ ادبی رسیدند و باعث پیشرفت ادبی شدند ولی ادبیات ایران با این تقلید، دچار انحطاط گشت.

### منابع

- بهروز، اکبر، ۱۳۷۷، تاریخ ادبیات عرب، انتشارات دانشگاه تبریز، چاپ دوم.
- حریری، فیروز، ۱۳۷۹، اشعار عربی هاتف اصفهانی و جایگاه آن در سبک‌های شعر عربی، فصلنامه‌ی ادبیات و علوم انسانی تهران، پائیز.
- حسینی، سید رضا، ۱۳۷۶، مکتب‌های ادبی، انتشارات نگاه، تهران، چاپ یازدهم.
- خاتمی، احمد، ۱۳۷۱، سبک هندی و دوره‌ی بازگشت، نشر بهارستان، تهران، چاپ اول.
- خاتمی، احمد، ۱۳۷۴، پژوهشی در نثر و نظم دوره‌ی بازگشت، مؤسسه‌ی فرهنگی و انتشاراتی پایا، چاپ اول.
- شاملو، اکبر و کاظم دزفولیان، ۱۳۸۷، بازگشت ادبی و مختصات زبانی آن دوره، پژوهشنامه علوم انسانی (تاریخ ادبیات)، زمستان.
- شکیب، محمود و عبدالاحد غیبی، ۱۳۸۶، تجدید و نوگرایی در شعر نوکلاسیک مصر، پژوهشنامه فرهنگ و ادب، پائیز و زمستان.
- شمیسا، سیروس، ۱۳۷۹، سبک شناسی شعر، انتشارات فردوس، تهران، چاپ ششم.
- عبدالجلیل، ج.م، ۱۳۷۶، تاریخ ادبیات عرب، ترجمه‌ی آ. آذرنوش، انتشارات امیر کبیر، تهران، چاپ سوم.
- لنگرودی، شمس، ۱۳۷۵، مکتب بازگشت، انتشارات مرکز، تهران، چاپ اول، ویرایش دوم

# SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری STES



فیلم های آموزشی

## کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



مقاله نویسی علوم انسانی

مقاله نویسی علوم انسانی



اصول تنظیم قراردادها

اصول تنظیم قراردادها



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقاله

آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقاله